

A Model of Marital Adjustment based on Parenting Styles by Mediating the Role of Coping and Impaired Limits Schema

Inanloo Ganji S¹, *Monirpoor N², Zargham Hajebi M³

Author Address

1. PhD of Counseling, Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran;
 2. PhD of Health Psychology, Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran;
 3. PhD of Psychology, Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran.
 *Corresponding Author Email: Monirpoor1357@gmail.com

Received: 20 October 2018; Accepted: 20 November 2018

Abstract

Background & Objective: One of the most important periods of life is marriage. The family is the first founder of personality, values and intellectual criteria, which plays an important role in determining the future, lifestyle, ethics, health and mental health of the individual. The issue of the relationship between parents and children has attracted the opinion of experts and educators for many years. The family is the first step that create a link between the child and his surroundings. Each family uses a special way of parenting in the education of their children, influenced by a variety of factors, including cultural, social, political and economic factors. Contemporary research on parenting practices emphasizes the combination of different parenting practices with a cognitive typology approach. Differences in the core elements of parenting (such as kindness, being involved, age-old requests and supervision) make changes in how the child responds to the effects of parents. Studies have argued that marital problems are rising and divorce has increased. Therefore, researchers should consider factors related to marital adjustment. Studies have shown that coping strategies, parenting, and early maladaptive schemas are related to marital adjustment. Although most studies have shown the relationship between marital adjustments, coping strategies, parenting and early maladaptive schemas, but has not been explained a statistical model for predicting marital adjustment with respect to coping strategies, parenting and early maladaptive schemas. Therefore, the purpose of this study was to provide a model of marital adjustment based on parenting styles with mediating disconnection/rejection schema and coping strategies.

Methods: The present study was a descriptive study done by correlation method. The statistical population of the present study was couples who referred to welfare counseling centers of Alborz province (North of Iran) in 2017. According to the estimates, 570 (50% female) samples were selected. The instruments were marital adjustment questionnaire (Spinner, 1976) and Yang-Rae coping strategies questionnaire (1994), Young parenting inventory (Young, 1994), and early maladaptive schemas questionnaire-short form (Young, 1988). The used questionnaires had a good validity and reliability. Data were analyzed using linear modeling, Pearson correlation and independent t-test using SPSS-22 software.

Results: Pearson correlation results showed a positive and significant correlation between parenting, regeneration strategy, avoidance strategy and disconnection/rejection schema ($p<0.001$). In addition, there was a positive and significant correlation between marital adjustment, regeneration strategy and parenting ($p<0.001$), but there was a negative correlation between marital adjustment and disconnection/rejection schema ($p<0.001$). The results of structured modeling of path analysis showed that parenting styles with mediating role of avoidance, regeneration strategies and disconnection/rejection schema could explain marital adjustment ($p<0.001$).

Conclusion: In general, the findings revealed parenting with the mediator roles of avoidance, regeneration strategies and impaired limits schema in explaining marital adjustment.

Keywords: Marital adjustment, Coping strategies, Parenting style, Impaired limits schema.

مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحواره حوزه محدودیت مختلط و راهبردهای مقابله‌ای

سمیه اینالو گنجی^۱، *نادر منیرپور^۲، مجید ضرغام حاجبی^۳

توضیحات نویسنده‌گان

۱. دکتری مشاوره گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران;
۲. دکторی روانشناسی سلامت، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران;
۳. دکторی روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

*ربانame نویسنده مسئول: Monirpoor1357@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷ مهر ۲۸؛ تاریخ پذیرش: آبان ۱۳۹۷؛ ۲۹

چکیده

هدف و زمینه: سازگاری زناشویی به معنای ظرفیت سازگارشدن با مشکلات و توانایی حل آنها است. پژوهشگران امروزه به دنبال یافتن عوامل مرتبط با این سازگاری هستند. پژوهش حاضر با دلف ارائه مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحواره حوزه محدودیت مختلط و راهبردهای مقابله‌ای انجام شد.

روش پژوهشی: این مطالعه از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را زوجین مراجعتکننده به مرآکر مشاوره بهزیستی استان البرز در سال ۱۳۹۶ تشکیل دادند. در این پژوهش، پرسشنامه سازگاری زناشویی (اسپینر، ۱۹۷۶)، پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای یانگ-رای (۱۹۹۴)، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراکشده (یانگ، ۱۹۸۸) و پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ-فرم کوتاه (یانگ، ۱۹۸۸) به کار رفت. داده‌ها با روش همبستگی پیرسون و مدل‌یابی ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و AMOS نسخه ۲۳ تحلیل شدند. سطح معناداری ۰/۰۵ برای تحلیل‌های آماری در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای جبران ($p < 0/001$) و اجتناب ($p < 0/001$) و طرحواره حوزه محدودیت مختلط ($p < 0/001$) می‌تواند سازگاری زناشویی را تبیین کند ($p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: به طور کلی یافته‌ها تأییدکننده مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحواره حوزه محدودیت مختلط و راهبردهای مقابله‌ای بودند.

کلیدواژه‌ها: سازگاری زناشویی، راهبردهای مقابله‌ای، سبک فرزندپروری، طرحواره محدودیت مختلط.

۱ مقدمه

معطوف به آن است. در مقابلۀ متمرکز بر هیجان، شخص سعی می‌کند هیجان‌های خود را کنترل کند (۷).

همچنین، همان‌طور که اشاره شد، یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌گیری سازگاری و رضایت زناشویی، باورها و شناخت‌های فرد است (۳). این باورها ممکن است از دوران کودکی همراه فرد باشد که می‌تواند بر رفتارهای او در بزرگسالی تأثیر زیادی بگذارد. درواقع، این اعتقاد وجود دارد که پایه‌های اساسی ایجادشده در زندگی زناشویی، از یکسری ویژگی‌های بنیادی دوران طفولیت تا بزرگسالی شکل می‌گیرد (۳). از ویژگی‌های بنیادی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. طرحواره‌ها بنیادهای شناختی فرد را تشکیل داده و قادرند به آن سمت‌سو دهن؛ بنابراین می‌توان بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان بخش زیرین و سخت شناخت‌های افراد که اغلب در دوران تحولی شکل گرفته‌اند با رفتارهای ناسازگار در مقاطع بعدی رشد اشخاص، رابطه برقرار کرد (۸). یکی از طرحواره‌های مؤثر بر ناسازگاری‌ها، طرحواره حیطۀ محدودیت مختلف است. طرحواره محدودیت مختلف در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که به جای انصباط، مواجهه مناسب، محدودیت‌های منطقی، مسئولیت‌پذیری، همکاری متقابل و هدف‌گزینی، وجه مشخصه آن‌ها سهل‌انگاری افراطی، سردرگمی یا حس برتری است. این طرحواره‌ها منجر به بروز مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق دیگران، همکاری با دیگران، تعهد یا هدف‌گزینی و رسیدن به اهداف واقع‌بینانه می‌شود (۹).

به طور کلی، اگر بخواهیم دیدگاه بنیادی‌تری به عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی داشته باشیم، بهتر است عامل‌های اثرگذار بر راهبردهای مقابله‌ای و طرحواره‌های فرد مانند محرومیت بررسی شود. از عوامل بسیار مهم، سبک‌های فرزندپروری است. از لحاظ نظری، دورین، دارلینگ و استاینبرگ و براؤن (۱۰) شیوه‌های فرزندپروری را به عنوان نوعی نگرش و رفتار که سبب فضای عاطفی گستره‌های شده و تعیین‌کننده نوع تعامل کودک با پدر و مادر بوده، تعریف کرده‌اند. سبک‌های فرزندپروری می‌تواند به عنوان الگوی رفتاری تعریف شود که مراقبان اولیه کودک، از آن برای تعامل با فرزندان خود استفاده می‌کنند. این سبک‌ها درواقع از فضایی عاطفی ایجاد شده است که رفتار پدر و مادر را در آن بیان می‌دارد. در تحقیقی مشخص شد که عوامل روانی، اجتماعی، فردی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد بر میزان سازگاری زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (۱۱). پژوهشی دیگر نشان داد که سبک‌های مقابله‌ای با تفاهم‌های زناشویی مرتبط است (۱۲). مطالعات به نقش مؤثر راهبردهای مقابله‌ای بهخصوص راهبردهای کارآمد جهت ثبات در زندگی بهویژه زندگی زناشویی اشاره کرده‌اند (۱۳، ۱۴). همچنین، ولفرات و همپل و میلز (۱۵) نشان دادند والدین دارای سبک فرزندپروری ادراک شده از نوع سهل‌گیر و مقندرانه، راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار دارند. نیجهوف و انگلز (۱۶) دریافتند که داش آموزان با والدین سهل‌گیر، دارای راهبرد مقابله‌ای مؤثری نیستند؛ بنابراین متغیرهای بررسی شده در ارتباط با سازگاری زناشویی در این پژوهش شامل راهبردهای مقابله‌ای و طرحواره حیطۀ محدودیت مختلف و سبک‌های فرزندپروری بود.

افزایش شیوع طلاق، به عنوان مسئله‌ای اجتماعی، علایق پژوهشی محققان را در زمینه عوامل تداوم روابط زناشویی برانگیخته است. باوجود آمار زیاد طلاق تعجب‌آور نیست که داشمندان علوم اجتماعی مشتاقانه در پی پاسخ به این سؤال هستند که راز ماندگاری ازدواج‌ها چیست؟ پژوهش‌ها تأکید دارند که درمانگری زناشویی و تعارض مخرب آن، عوامل بسیار خطرساز در بیشتر اختلال‌ها و آسیب‌های روان‌شناختی به شمار می‌آید و موجب ناتوانی در سیستم خانواده و زوجین شده که درواقع این نوع ناتوانی، مشکلات اجتماعی و بین‌فردي و فردی را به دنبال دارد. زمانی‌که شخص دارای احساس ناتوانی در زندگی زناشویی و رضایت کمی باشد، باعث می‌شود تا در رفتارهای اجتماعی و بین‌فردي نیز دچار مشکل و ناتوانی شود (۱).

ازدواج را در همه جوامع، نهادی مهم می‌شمرند و داشتن زندگی

زناشویی موفق تقریباً برای هرکسی توان مندی عملده‌ای به شمار می‌رود.

از مسائل بسیار مهم مدنظر مشاوران خانواده و ازدواج، ارائه الگویی

برای کسب سازگاری و تفاهم در زوجین است که کارکرد پیشگیرانه

برای حفظ اساس خانواده داشته و نیز در درمان، مشکلات احتمالی

پیش رو را حل می‌کند؛ از این‌رو شناسایی و بررسی عوامل

پیش‌بینی‌کننده سازگاری در بین زوجین ضرورت دارد. در زندگی

زناشویی، سازگاری فرآیندی مستمر و در حال تغییر است (۲).

سازگاری زناشویی، ظرفیت سازگارشدن با مشکلات و توانایی حل

آن‌ها بیان می‌شود (۳).

چندین مدل در زمینه سازگاری زناشویی وجود دارد. یکی از انواع بسیار

قدیمی آن مدل دی‌گاست و زی است (۴). آنان در مدل خود دلیل

نیود سازگاری زناشویی را باورهای غیرمنطقی می‌دانند. از طرفی دیگر،

مدل باکوم^۱ و همکاران (۵) پیچ طبقه را در سازگاری زناشویی معرفی

می‌کند؛ ۱. توجه انتخابی؛ ۲. استنادها؛ ۳. انتظارها؛ ۴. فرضیه‌ها؛ ۵.

استانداردها. باعتقاد ایشان توجه انتخابی بر مشکلات خاص و

انتظارها درباره رفتارهایی که در آینده باید اتفاق بیفتد و

استانداردگذاری در زندگی، سبب کم‌شدن سازگاری زناشویی می‌شود.

در مقایسه بین دو مدل، براساس پژوهش‌های مرتبط با درمان‌های

شناختی رفتاری، نتایج نشان‌دهنده علت اصلی در باورها و شناخت‌ها

بوده که سبب می‌شود زوجین در مقابل موقعیت‌های استرس‌زا راهبرد

اشتباهی انتخاب کرده و درنتیجه رضایت کاهش پیدا می‌کند (۲).

درواقع واکنش افراد در مواجهه با موقعیت اضطراب‌آور زندگی به‌منظور

انطباق با محیط است تا مجبور نشوند هیجان‌های شدید

و استیصال‌کننده را تجربه کنند. راهبردهای مقابله‌ای شامل دو دسته

می‌شود؛ راهبردهای مقابله‌ای سازگار و راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار

که جبران افراطی و اجتناب و تسليم را در بر می‌گیرد و در پژوهش

مدنظر بررسی می‌شود (۶). لازروس دو راهبرد را برای مقابله با

وضعيت استرس‌زا، از هم متمایز کرده است؛ مقابله متمرکز بر مسئله؛

مقابله متمرکز بر هیجان. در رفتار مقابله‌ای متمرکز بر مسئله، فرد برای

تغییر مستقیم عوامل تشن‌زا وارد عمل می‌شود. درحالی‌که در رفتار

مقابله‌ای متمرکز بر هیجان، توجه فرد بیشتر به تغییر احساسات

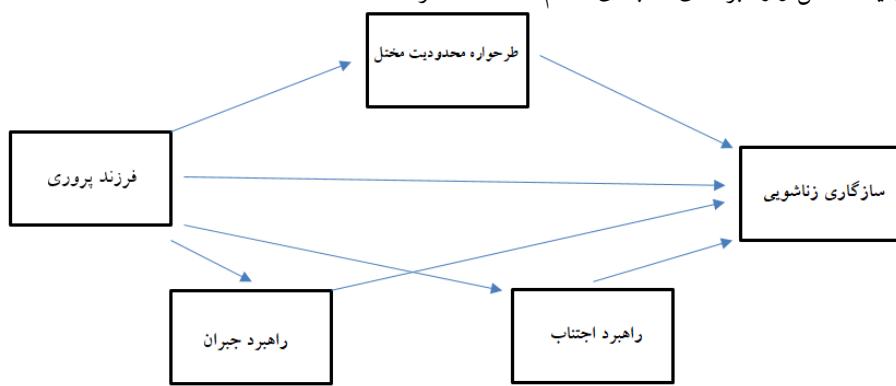
². Baucom

1. DiGiuseppe, & Zee

۲ روش بررسی

این مطالعه از نوع توصیفی بود که به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری را زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره بهزیستی استان البرز در سال ۱۳۹۶ تشکیل دادند. باقیه به روش پژوهش حاضر روش آماری معادلات ساختاری را اتخاذ کرد؛ ۵۷۰ نفر (۵۰ درصد مؤنث) نمونه‌ها به روش دردسترس انتخاب شدند. شرایط ورود به پژوهش زوجین بودند که با یکدیگر زندگی مشترک داشتند. جهت رعایت اصول اخلاقی، قبل از شرکت در مطالعه از شرکت‌کنندگان رضایت آگاهانه گرفته شد.

اکثر مطالعات ارتباط بین سازگاری زناشویی، سبک‌های فرزندپروری، راهبردهای مقابله‌ای و طرحواره‌های ناسازگاری اولیه را نشان داده‌اند؛ اما به طور دقیق درباره مدل‌یابی اثرات متغیرها بر سازگاری زناشویی بحث نشده است. باقیه به اهمیت زندگی زناشویی و سازگاری آن‌ها و همچنین براساس پایه‌های نظری موجود که تأکید بر نقش اساسی راهبردهای مقابله‌ای، سبک‌های فرزندپروری، طرحواره‌ها و شناخت‌های اولیه دارند؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل سازگاری زناشویی بر اساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرحواره حوزه محدودیت مختلف و راهبردهای مقابله‌ای انجام شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

کنترل و منطقی‌بودن افراطی، سرکوب خشم، علامت روانی-جسمی، گوشگیری و دوری‌گزینی از مردم، انکار خاطرات، اجتناب از طریق خوابیدن/فقدان انرژی، حواس‌پرتی از راه درگیرشدن در فعالیت‌های مختلف، آرامکردن خود (خوردن، خردکردن و مانند آن)، بازداری منفعلانه هیجان‌های ناخوشایند، حواس‌پرتی منفعل، رؤیاپردازی و اجتناب از موقعیت‌های ناخوشایند است. جبران افراطی یانگ-رای در ۴۷، ۱۹۹۴ سؤال دارد که برای بررسی راهبردهای مقابله‌ای جبران افراطی طراحی شده است. به هر سؤال نمره ۱ تا ۶ داده می‌شود. هر پرسش دارای زیربنایی از چند طرحواره مختلف است که راهبردهای مقابله‌ای جبران افراطی چون رفتار انتقادگرایانه، خوداتکایی افراطی، ذهن وسوسی، خوشبینی بیش از حد، رفتارهای تکانشگرانه، نارازنده‌سازی و... در پاسخ به طرحواره صورت می‌گیرد. نمرات بیشتر نشان‌دهنده وجود جبران افراطی غالب در فرد است. در مطالعه‌ای توسط بایrami و همکاران ضربی پایایی این پرسشنامه در نمونه ایرانی از طریق دونیمه‌سازی برابر ۰/۷۹ برآورده شد (۱۹) و در این مطالعه، آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۲ به دست آمد.

- پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادرآکشده: یانگ در ۱۹۹۴ این مقیاس را که پرسشنامه‌ای خودگزارشی با ۷۲ گویه است برای شناخت ریشه‌های تحولی طرحواره‌ها طراحی کرد. پاسخ‌دهندگان رفتارهای مختلف پردازمان‌دان را به صورت جداگانه درجه‌بندی می‌کنند. برای درجه‌بندی در YPI، مقیاس لیکرت شش درجه‌ای به کار رفت و سؤال‌ها به‌وسیله طرحواره‌ها گروه‌بندی شده است. این ابزار دارای هدفه زیرمقیاس محرومیت هیجانی، رهاسدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری، وابستگی/بی‌کفاوتی، نقش/شرم، شکست، اطاعت، ایثارگری،

- پرسشنامه سازگاری زناشویی: این پرسشنامه ابزاری ۳۲ سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر بوده که باهم زندگی می‌کنند. مقیاس مذکور را اسپینیر در سال ۱۹۷۶، برای سنجش میزان سازگاری زناشویی تهیه کرد. این مقیاس چهار بعد رابطه را می‌سنجد که عبارت است از: رضایت زوجی؛ توافق زوجی؛ همبستگی زوجی؛ ابراز محبت زوجی. مقیاس نمره‌گذاری زن و شوهر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه‌بندی می‌دهد. نمرات بیشتر، رابطه بهتر و سازگارتر را بیان می‌کند. سؤال‌های خرد مقیاس‌ها از این قرار است: رضایت زناشویی؛ می‌کند. سؤال‌های خرد مقیاس‌ها از این قرار است: رضایت زناشویی؛ مقیاس لیکرت انجام می‌شود. کل مقیاس دارای آلفای کرونباخ ۰/۹۶ است که از همسانی درونی در خور توجهی حکایت دارد. همسانی درونی خرد مقیاس‌ها بین خوب تا عالی و بدین ترتیب است: رضایت زوجی ۰/۹۴؛ همبستگی زوجی ۰/۸۴؛ توافق زوجی ۰/۹۰؛ ابراز محبت ۰/۷۳. این مقیاس از روایی محتوا و نیز از روایی هم‌زمان برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس همبستگی دارد (۱۷). در ایران، ملازاده و همکاران، همسانی درونی این پرسشنامه را ۰/۹۵ گزارش کردن و نشان دادند که پرسشنامه دارای روایی و پایایی مطلوبی است (۱۸).

- پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای یانگ-رای: پرسشنامه اجتناب یانگ-رای ۴۰ سؤالی بوده که برای بررسی راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی طراحی شد. به هر سؤال نمره‌ای بین ۱ تا ۶ داده می‌شود. راهبردهای اجتنابی براساس این پرسشنامه شامل فکر نکردن به‌طور عمده درباره مسائل ناخوشایند، سوء مصرف مواد، انکار ناخوشی،

و انحراف معیار استفاده شد. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر روابط میان متغیرها در چارچوب الگویی علی مطالعه شده است، برای بررسی مدل مفروض، آمار استنباطی از نوع همبستگی و مدل یابی معادلات ساختاری به کار رفت و داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و AMOS نسخه ۲۳ تحلیل شدند. قبل از تحلیل مدل ساختاری، ابتدا نمره کل هر متغیر به عنوان یکنمره از یکسازه به دست آمد. سپس نرمال‌بودن چندمتغیره داده‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد که داده‌ها به صورت چندمتغیره نرمال است. برازنده‌گی الگوی پیشنهادی براساس شاخص مجدور خی دو، شاخص برازنده‌گی تعیقی CFI، شاخص نیکویی برازش GFI، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده AGFI و RMSEA ارزیابی شد. ریشه خطای میانگین مجدورات تقریب RMSEA ارزیابی شد. به منظور برازش الگو ضروری است که شاخص‌های مذکور استانداردهای لازم را داشته باشد. چنانچه شاخص df/ χ^2 کوچکتر از ۰/۵ باشد، مقدار RSMEA کوچکتر و به صفر نزدیکتر است. همچنین اگر شاخص‌های برازش (CFI، GFI، AGFI) به یک نزدیکتر باشد، بیانگر آن است که الگوی پیشنهادی تأیید می‌شود (۲۴).

۳ یافته‌ها

سن شرکت‌کنندگان مذکور و مؤنث از نظر میانگین \pm انحراف معیار به ترتیب، $37/28\pm6/60$ و $32/27\pm6/49$ و میانگین \pm انحراف معیار سن کل شرکت‌کنندگان $35/27\pm6/84$ بود. درصد $30/171$ (نفر) از شرکت‌کنندگان مدرک کارشناسی، $20/2$ درصد (115 نفر) مدرک دیپلم، $20/2$ درصد (110 نفر) مدرک کارشناسی ارشد، $19/8$ درصد (113 نفر) مدرک سیکل و $9/8$ درصد (56 نفر) مدرک کاردانی داشتند.

میانگین (انحراف معیار) سازگاری زناشویی و راهبرد مقابله‌ای جبران و راهبرد مقابله‌ای اجتنابی به ترتیب، $110/41$ و $136/43$ ($13/87$) و $19/29$ ($12/72$) و $82/12$ ($8/29$) و همچنین، میانگین (انحراف معیار) طرحواره حوزه محدودیت مختلط و فرزندپروری به ترتیب، $19/79$ ($8/48$) و $20/117$ ($36/98$) بود.

معیارهای سرخسته، استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری/ خودانضباطی ناکافی، گرفتار، منفی‌گرایی، بدینی، بازداری هیجانی، تنبیه، پذیرش جویی/ جلب توجه است. هر کدام از این زیرمقیاس‌ها ریشه‌های تحولی هریک از طرحواره‌ها را نشان می‌دهد؛ برای مثال زیرمقیاس محرومیت عاطفی نشان‌دهنده ریشه طرحواره محرومیت هیجانی مربوط به پدر یا مادر است (۲۰). در پژوهش صلواتی برای فرم مادر ضریب پایایی $0/69$ و برای فرم پدر ضریب پایایی $0/80$ به دست آمد (۲۱). میزان پایایی نمره کل این پرسشنامه در سایر پژوهش‌های انجام‌شده با ضریب آلفای کرونباخ $0/70$ بود. به منظور بررسی روایی سازه پرسشنامه فرزندپروری یانگ، همبستگی میان نمرات این ابزار و پرسشنامه طرحواره یانگ تحت بررسی قرار گرفت. نتایج مشخص کرد که بین نمرات دو مقیاس همبستگی معناداری وجود دارد. به طور کلی این پرسشنامه دارای روایی و پایایی مطلوبی است.

- پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ- فرم کوتاه سال ۱۹۸۸ پرسشنامه طرحواره یانگ فرم کوتاه (YSQ-SF) (توسط یانگ برای اندازه‌گیری پانزده طرحواره (پنج حیطه) ساخته شد. این مقیاس 75 ماده دارد که در طیف لیکرت شش درجه‌ای (کاملاً غلط تا کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. با توجه به هدف پژوهش، ماده‌های مربوط به حیطه محدودیت مختلط به کار رفت و درنهایت نمره کل مقیاس بررسی شد. این حیطه شامل طرحواره استحقاق بزرگ‌منشی (سؤالهای 70 تا 70) و طرحواره خویشتن‌داری و خودانضباطی ناکافی (سؤالهای 75 تا 71) است. در مطالعه خارجی اولی و همکاران، روایی و پایایی پرسشنامه را مناسب ارزیابی کردند (۲۲). در ایران (۲۳)، ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس توسعه ابراهیمی بررسی شد. تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش واریماکس برای پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین بیست عامل را نشان داد. نتایج به دست آمده درباره همسانی کل مقیاس و عوامل بیست‌گانه حاکی از پایایی زیاد مقیاس و نتایج حاصل از تعیین پایایی آزمون بهروش آزمون- بازآزمون برابر با $0/87$ بود. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه $0/95$ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون بین راهبردهای مقابله‌ای، طرحواره محدودیت مختلط، سیک فرزندپروری و سازگاری زناشویی

متغیر	راهبرد جبران	راهبرد اجتناب	طرحواره محدودیت مختلط	فرزندهای جبران	راهبرد مقابله‌ای
راهبرد جبران	۱				
راهبرد اجتناب		$*0/288$			
طرحواره محدودیت مختلط	$0/019$	$-0/131$			
فرزندهای جبران	$-0/017$	$*0/317$			
سازگاری زناشویی	$0/017$	$*0/319$			

جدول ۱ نشان‌دهنده نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش است. پیش از اجرای همبستگی پیرسون، نرمال‌بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شد که یافته‌ها مشخص کرد داده‌ها نرمال است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین راهبرد

جدول ۱ نشان‌دهنده نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش است. پیش از اجرای همبستگی پیرسون، نرمال‌بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شد که یافته‌ها مشخص کرد داده‌ها نرمال است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین راهبرد

راهبرد اجتناب و بین طرحواره محدودیت مختل و راهبرد اجتناب ساختاری در جدول ۲ ارائه شده است. ارتباط معناداری به دست نیامد. نتایج حاصل از بررسی معادلات

جدول ۲. نیکویی برآش مدل ساختاری

p	مقدار	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	X ² /Df	درجه آزادی	خی دو
<0.001		0.923	0.813	0.947	0.001	1/666	10	6

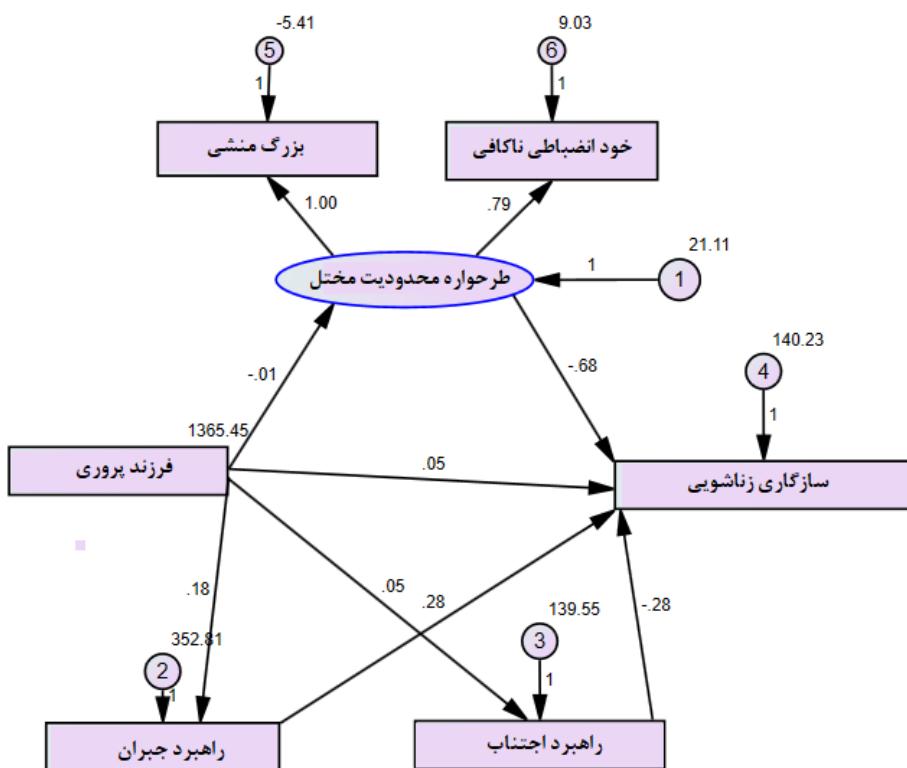
بازوجه به جدول ۲، نسبت خی دو به درجه آزادی کمتر از ۲/۵ بوده و میزان RMSEA نزدیک به صفر به دست آمد. همچنین، مقدار GFI و روایی دارد ($p < 0.001$).

جدول ۳. اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل جهت پیش‌بینی سازگاری زناشویی

متغیر	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	مقدار p
فرزنده‌پروری بر سازگاری زناشویی	0.052	0.042	-0.052	<0.001
فرزنده‌پروری بر راهبرد اجتناب	0.054	-	0.054	<0.001
فرزنده‌پروری بر راهبرد جبران	0.184	-	0.184	<0.001
فرزنده‌پروری بر طرحواره محدودیت مختل	-0.008	-	-0.008	<0.001
راهبرد اجتناب بر سازگاری زناشویی	-0.277	-	-0.277	<0.001
راهبرد جبران بر سازگاری زناشویی	0.278	-	0.278	<0.001
طرحواره محدودیت مختل بر سازگاری زناشویی	-0.680	-	-0.680	<0.001

جدول ۳ میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل هر سازه را به سازگاری زناشویی نشان می‌دهد. بازوجه به شکل ۲ و جدول ۳، اثرات می‌شود که فرزندپروری می‌تواند با نقش میانجی راهبردهای جبران و اجتناب و طرحواره محدودیت مختل، مدل مطلوبی را ارائه دهد.

با این‌رو، نتیجه‌گیری اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل سازه فرزندپروری بر سازگاری زناشویی



شکل ۲. مدل تحلیل مسیر جهت پیش‌بینی سازگاری زناشویی

سازگارانه یا ناسازگارانه نمایان شود.

همچنین با توجه به سبک‌های مقابله‌ای، زوجین در زمان به کاربردن سبک مقابله‌ای اجتناب، سعی می‌کنند زندگی خود را طوری تنظیم کرده که طرحواره‌ها هیچ وقت فعال نشود. آن‌ها در تلاش بوده با آگاهی زندگی کنند؛ انگار که اصلاً طرحواره‌ها وجود ندارد. از فکرکردن راجع به طرحواره اجتناب می‌ورزند و در صورت بروز چنین افکار و تصاویری تلاش در پرتکردن حواس خود دارند و اصلاً نمی‌خواهند طرحواره را احساس کنند (۲۸). به نظر می‌رسد همسرانی که دارای طرحواره محدودیت مختل و سبک مقابله‌ای اجتناب هستند، از تمامی رابطه‌های بین فردی اجتناب کرده و نیز به دنبال روابط متفاوت با خواسته‌های فرد، نمی‌روند.

همچنین، وقتی همسران سبک جبران را به کار می‌برند، از طریق فکر، احساس، رفتار و روابط بین فردی به گونه‌ای با طرحواره می‌جنگند که انگار طرحواره متضادی دارند. آن‌ها احتمالاً سعی می‌کنند تا حد امکان با دوران کودکی خویش یعنی زمان شکل‌گیری طرحواره‌ها متفاوت باشند. اگر در دوران کودکی احساس بی‌ازشی داشتند، بعداً در دوران بزرگسالی، تلاش کرده افرادی بی‌عیب و نقص جلوه کنند. اگر در کودکی مطیع بودند، در بزرگسالی رو در روی همه می‌ایستند. جبران افراطی را می‌توان به عنوان کوشش نسبتاً سالمی جهت حمله متقابل علیه طرحواره در نظر گرفت که متأسفانه به هدف خود دست نمی‌یابد و به جای بهبود طرحواره به تداوم آن منجر می‌شود (۲۸). در واقع براساس مدل ارائه شده به نظر می‌رسد، زمانی که همسران از راهبرد جبران استفاده می‌کنند، احتمالاً به دنبال انجام رفتارهای منفعلانه و پرخاشگرانه یا نافرمانی هستند و در برابر زوج خود پرخاشگری منفعلانه بیشتری بروز می‌دهند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت تبیین سازگاری زناشویی مدل ارائه شده را مجدداً در فرهنگ‌های مختلف آزمون کنند تا اعتبار نتایج پژوهش حاضر تحت بررسی دقیق‌تری قرار بگیرد.

۵ نتیجه‌گیری

به طور کلی یافته‌ها نشان‌دهنده نقش راهبردهای جبران و اجتناب و طرحواره حوزه محدودیت مختل در تبیین سازگاری زناشویی است. توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت تبیین سازگاری زناشویی مدل ارائه شده را مجدداً در فرهنگ‌های مختلف آزمون کنند تا اعتبار نتایج پژوهش حاضر بررسی دقیق‌تری شود.

۶ تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی قم است. از مساعدت شرکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود. همچنین هیچ‌گونه تضاد منافعی بین نویسنده‌گان وجود ندارد.

هدف از انجام پژوهش تبیین سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای و طرحواره حوزه محدودیت مختل بود. نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای جبران و اجتناب و طرحواره حوزه محدودیت مختل می‌تواند سازگاری زناشویی را تبیین کند. اکثر پژوهش‌های پیشین مشخص کردند که بین راهبردهای مقابله‌ای و سازگاری زوجین ارتباط وجود دارد؛ به عنوان مثال، بونم نشان داد که این راهبردها با رضایت و سازگاری همسران مرتبط است (۲۵). گاسبارینی و همکاران نیز گزارش کردند که راهبردهای مذکور نقش مهمی را در زندگی زناشویی دارد (۲۶). همچنین، براساس نتایج دیگر پژوهش‌ها، بین سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های اولیه و سازگاری زناشویی ارتباط دیده می‌شود (۱۶، ۱۵). با این حال، تفاوت اصلی بین یافته‌های این مطالعه و تحقیقات پیشین در نوع روش پژوهش بود. در این مطالعه مدل یابی ساختاری تحلیل مسیر جهت تبیین سازگاری زناشویی به کار رفت؛ درحالی‌که پژوهش‌های قبلی از روش‌های همبستگی و رگرسیون استفاده کردند.

جهت تبیین یافته‌ها می‌توان به نقش اساسی سبک‌های فرزندپروری و راهبردهای مقابله‌ای و طرحواره حوزه محدودیت مختل در تبیین سازگاری زناشویی اشاره کرد. ابتدا در ارتباط با نقش سبک‌های فرزندپروری به عنوان عاملی بنیادی بحث می‌شود. براساس رویکردهای تحولی، سبک‌های فرزندپروری نقش ویژه‌ای را در پیش‌بینی رفتارهای آینده فرد بازی می‌کند (۱۰، ۸). فرزندپروری سازهای است که نه تنها با راهبردهای مقابله‌ای، بلکه با طرحواره‌های حوزه محدودیت مختل نیز ارتباط دارد؛ برای مثال، در دوران کودکی، سهل‌گیری والدین، فرد را در دوران بزرگسالی دچار مشکلات انسپاصلی و سهل‌گیری می‌کند که مشخصه اصلی طرحواره محدودیت مختل است. در واقع شکل‌گیری طرحواره باعث می‌شود تا فرد حس کند که در مقایسه با دیگران یک‌سر و گردن بیشتر بوده و حقوق ویژه‌ای برای خودش قائل است. این افراد به جای رسیدگی به نیازهای خود به دنبال ارضی نیازهای دیگران هستند. آن‌ها این کار را برای دستیابی به تأیید و تداوم رابطه هیجانی یا اجتناب از انتقام انجام می‌دهند. این افراد در کودکی آزاد نبودند تا از تمایل‌های طبیعی خودشان پیروی کنند و در بزرگسالی به جای اینکه از درون جهت‌دهی شوند از محیط بیرون تأثیر می‌پذیرند و از خواسته‌های دیگران تعیت می‌کنند (۱۵). در واقع، در اکثر این خانواده‌ها والدین به جای توجه و اهمیت قائل شدن برای نیازهای منحصر به فرد کودک، بیشتر نیازهای هیجانی یا منزلت اجتماعی خود را نهم دانستند. در این راستا، جونز و کاسیدی و شاور (۲۷) تأکید کردند نوع فرزندپروری باعث شکل‌گرفتن رفتارها و شناختهای متفاوت خواهد شد؛ بنابراین، نوع واکنش والدین در مقابل فرزند خود سبب شکل‌گیری طرحواره‌های فرد شده و همچنین موجب می‌شود تا راهبردهای مقابله‌ای بهشیوه

References

1. Lucas-Thompson RG, Lunkenheimer ES, Dumitrache A. Associations between marital conflict and adolescent conflict appraisals, stress physiology, and mental health. *J Clin Child Adolesc Psychol.* 2017;46(3):379-93. doi:[10.1080/15374416.2015.1046179](https://doi.org/10.1080/15374416.2015.1046179)
2. Schumacher JA, Leonard KE. Husbands' and wives' marital adjustment, verbal aggression, and physical aggression as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage. *J Consult Clin Psychol.* 2005;73(1):28-37. doi:[10.1037/0022-006X.73.1.28](https://doi.org/10.1037/0022-006X.73.1.28)
3. Hamamci Z. Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Soc Behav Pers.* 2005;33(4):313-28. doi:[10.2224/sbp.2005.33.4.313](https://doi.org/10.2224/sbp.2005.33.4.313)
4. DiGiuseppe R, Zee C. A rational-emotive theory of marital dysfunction and marital therapy. *J Ration Emot Cogn Behav Ther.* 1986;4(1):22-37. doi:[10.1007/BF01073478](https://doi.org/10.1007/BF01073478)
5. Baucom DH, Epstein N, Sayers S, Sher TG. The role of cognitions in marital relationships: Definitional, methodological, and conceptual issues. *J Consult Clin Psychol.* 1989;57(1):31-8. doi:[10.1037/0022-006X.57.1.31](https://doi.org/10.1037/0022-006X.57.1.31)
6. Sirois FM, Molnar DS, Hirsch JK. Self-compassion, stress, and coping in the context of chronic illness. *Self Identity.* 2015;14(3):334-47. doi:[10.1080/15298868.2014.996249](https://doi.org/10.1080/15298868.2014.996249)
7. Lazarus RS. Coping theory and research: Past, present, and future. In: Lazarus RS. *Fifty years of the research and theory of RS Lazarus: An analysis of historical and perennial issues.* First edition. London, UK: Psychology Press; 1993:366-88.
8. Thimm JC. Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *J Behav Ther Exp Psychiatry.* 2010;41(4):373-80. doi:[10.1016/j.jbtep.2010.03.009](https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2010.03.009)
9. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema therapy: A practitioner's guide.* N.Y, USA: Guilford Press; 2003.
10. Durbin DL, Darling N, Steinberg L, Brown BB. Parenting style and peer group membership among European-American adolescents. *J Res Adolesc.* 1993;3(1):87-100. doi:[10.1207/s15327795jra0301_5](https://doi.org/10.1207/s15327795jra0301_5)
11. Litzinger S, Gordon KC. Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *J Sex Marital Ther.* 2005;31(5):409-24. doi:[10.1080/00926230591006719](https://doi.org/10.1080/00926230591006719)
12. Hetherington EM. Coping with marital transitions: A family systems perspective. *Monogr Soc Res Child Dev.* 1992;57(2-3):1-14. doi:[10.1111/j.1540-5834.1992.tb00300.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-5834.1992.tb00300.x)
13. Wunderer E, Schneewind KA. The relationship between marital standards, dyadic coping and marital satisfaction. *Eur J Soc Psy.* 2008;38(3):462-76. doi:[10.1002/ejsp.405](https://doi.org/10.1002/ejsp.405)
14. Bodenmann G, Pihet S, Kayser K. The relationship between dyadic coping and marital quality: A 2-year longitudinal study. *J Fam Psychol.* 2006;20(3):485-93. doi:[10.1037/0893-3200.20.3.485](https://doi.org/10.1037/0893-3200.20.3.485)
15. Wolfradt U, Hempel S, Miles JNV. Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behaviour in adolescents. *Pers Individ Dif.* 2003;34(3):521-32. doi:[10.1016/S0191-8869\(02\)00092-2](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(02)00092-2)
16. Nijhof KS, Engels RC. Parenting styles, coping strategies, and the expression of homesickness. *J Adolesc.* 2007;30(5):709-20. doi:[10.1016/j.adolescence.2006.11.009](https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2006.11.009)
17. Besharat MA, Tashk A, Rezazadeh SMR. Explaining the role of coping styles in marital satisfaction and mental health. *Contemporary Psychology.* 2006;1(1):48-56. [Persian]
18. Mollazadeh J, Mansour M, Ejei J, Kiamanesh AR. Conflict styles and marital adaptation in controlled children. *Journal of Psychology.* 2002;6(3):255-75. [Persian]
19. Bayrami M, Bakhshipor A, Esmaeili A. The relationship between coping styles and early maladaptive schemas in disconnection-rejection and over vigilance-inhibition in young's schema model. *Journal of Life Science and Biomedicine.* 2012;2(4):178-81.
20. Sheffield A, Waller G, Emanuelli F, Murray J. Is comorbidity in the eating disorders related to perceptions of parenting? Criterion validity of the revised Young Parenting Inventory. *Eat Behav.* 2006;7(1):37-45. doi:[10.1016/j.eatbeh.2005.05.009](https://doi.org/10.1016/j.eatbeh.2005.05.009)
21. Salavati M. The dominant schemas and the effectiveness of schema therapy in female patients with borderline personality disorder [Ph.D. Thesis]. [Tehran, Iran]: Psychiatric Institute of Tehran; 2007. [Persian]
22. Oei PT, Baranoff J. Young schema questionnaire: review of psychometric and measurement issues. *Aust J Psychol.* 2007;59(2):78-86. doi:[10.1080/00049530601148397](https://doi.org/10.1080/00049530601148397)

23. Ebrahimi M. Psychometric properties of maladaptive yang questionnaire and its relationship with stress coping strategies in couples in Tehran. [Thesis for M.A in psychology]. [Tehran, Iran]: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2015. [Persian]
24. Loehlin JC. Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis. First edition. Bowman ML. Coping efforts and marital satisfaction: Measuring marital coping and its correlates. *J Marriage Fam.* 1990;52(2):463-74. doi:[10.2307/353040](https://doi.org/10.2307/353040)
25. Bowman ML. Coping efforts and marital satisfaction: Measuring marital coping and its correlates. *J Marriage Fam.* 1990;52(2):463-74.
26. Gasbarrini MF, Snyder DK, Iafrate R, Bertoni A, Donato S, Margola D. Investigating the relation between shared stressors and marital satisfaction: The moderating effects of dyadic coping and communication. *Fam Sci.* 2015;6(1):143-9. doi:[10.1080/19424620.2015.1082044](https://doi.org/10.1080/19424620.2015.1082044)
27. Jones JD, Cassidy J, Shaver PR. Parents' self-reported attachment styles: A review of links with parenting behaviors, emotions, and cognitions. *Pers Soc Psychol Rev.* 2015;19(1):44-76. doi:[10.1177/1088868314541858](https://doi.org/10.1177/1088868314541858)
28. Van Vreeswijk M, Broersen J, Nadort M. The Wiley-Blackwell handbook of schema therapy: Theory, research, and practice. First edition. New Jersey, USA: John Wiley & Sons; 2015.

